

رضاشاه عامل هویت یابی، یکپارچگی و نوسازی ایران

کورش/ تهران

یکی از مهمترین مشکلات تاریخ نگاری در ایران نگاه های یکسویه و ایدئولوژیک است، در زمینه تاریخ معاصر ایران به ویژه درباره دوره پهلوی در بسیاری از موارد از سوی گروه های سیاسی مختلف شاهد تحریف تاریخ، نگاه های بغض آلود و جعلکاری های سیاسی بوده ایم. بدون تردید باید دوران پس از مشروطه به ویژه اواخر عصر قاجاریه را دوران «بی ثباتی»، «نامنی» و «هرج و مرج» بدانیم و بنامیم، در غیاب یک حکومت مرکزی نیرومند کشور در یک وضعیت ضعیف و از هم گسیخته ای قرار داشت، کشور از همه طرف در معرض هرج و مرج بود، در سیستان و بلوچستان بلوچ ها، در خراسان کلنل پسیان، در شمال جنگلی ها، در آذربایجان خیابانی، در ارتفاعات و مناطق غیر شهری سیمتقو و کردها، در خوزستان شیخ خزعل، در جنوب بختیاری ها، خمسه ها، چهار لنگه ها، دره شوری ها، دشمن زیاری ها، قشقایی ها و بویر احمدی ها هر کدام داعیه استقلال و فرمانروایی داشتند، با کمرنگ شدن سلطه حکومت مرکزی مقدرات کشور به دست مجموعه ای از دسته های عشایر و حکام محلی افتاده بود¹ که تقریباً وضعیتی مانند افغانستان کنونی را به ذهن متبادر می سازد. رضاشاه وارث بی انضباطی مالی، نظامی و حقوقی قاجاران بود، با قاجاران نظام سیاسی ایران بیش از پیش در سرایش انحطاط افتاد و دلکهایمانند کریم شیره ای به افراد منتفذ دربار و نظام حکومتی ایران تبدیل شدند، نه ارتش منظمی وجود داشت و نه ساختار حقوقی قابل اطمینانی. قطعاً در مقاله ای کوتاه نمی توان به خدمات ارزنده رضاشاه و دستاوردهای بزرگ او برای ایران به شکل کامل و مفصل اشاره کرد اما می توان در زمینه های مختلف چند نمونه از دستاوردهای ارزنده دوره رضاشاه را این گونه ذکر کرد؛

دیپلماسی ماهرانه رضاشاه

یکی از جنبه های ماهرانه دیپلماسی رضاشاه تلاش های پیوسته او برای بهبود بخشیدن به روابط ایران با همسایگانش عراق، ترکیه و افغانستان بود، اختلاف با عراق بر سر مرز شط العرب و اختلاف با افغانستان بر سر تقسیم آب هیرمند از مسائل پر درد سر ایران به شمار می رفت، اوج فعالیت دیپلماتیک سرانجام به امضای پیمان «سعد آباد» در 17 تیر 1316 منجر شد، این پیمان یک پیمان عدم تعرض میان ایران، عراق و ترکیه و افغانستان بود، پیمان سعد آباد نخستین پیمان دوستی در خاورمیانه بود.

رضاشاه و بنیان نهادن ارتش متحد ایران

در آغاز زمستان 1299 خورشیدی دولت ایران از هر زمان دیگری در قرن نوزدهم ضعیف تر می نمود، سپاهیان خارجی، هم روسی و هم انگلیسی هنوز در خاک ایران بودند دولت عملاً قوای نظامی نداشت و نمی توانست نظم را در کشور برقرار کند، به گفته وزیر خارجه ایران: «ایران در حالت هرج و مرج به سر می برد و دسته های راهزنان بر راه ها مسلط و مایه ویرانی تجارت بودند و جان مردم را به خطر می انداختند»²، در 1304 رضاشاه با قانون خدمت نظام وظیفه و یکی کردن تشکیلات گوناگون ارتش از سربازان ولایتی، ایلی، گارد سلطنتی و بریگاد قزاق، ژاندارمری و پلیس جنوب که از سابق بر جای مانده بود اساس ارتش متحد ایران را بنیان نهاد، در جهت الغاء کاپیتولاسیون رضاشاه در 1304 وزیر دادگستری را مامور تهیه قوانین قضایی تازه کرد و در همان سال پیش نویس قانون جزا و در 1307 پیش نویس قانون مدنی فراهم شد و وظایف محاکم شرعی به تدریج موکول به محاکم عرفی شد³.

رضاشاه و تاسیس مدارس نوین

اندکی پس از 1299 تعلیمات عمومی با برنامه ای به سبک غرب برقرار شد که دربرگیرنده یک دوره تعلیمات ابتدایی اجباری شش ساله و یک دوره تعلیمات متوسطه شش ساله بود، برای نخستین بار مدارس

دخترانه تاسیس شد، در 1307 قانونی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که بنا بر آن مقرر شد همه ساله صد نفر از فارغ التحصیلان ایران برای تکمیل تحصیلات خود به اروپا و آمریکا اعزام شوند، در 1312 قانون تاسیس دانشسراهای تربیت معلم از تصویب مجلس گذشت و در 1313 دانشگاه تهران تاسیس شد، در 1315 رضاشاه برنامه تعلیم اکابر را عملی کرد که هدفش مبارزه با بی سوادی بود، در 1319 نزدیک به صد و پنجاه هزار نفر از طبقات مختلف مردم در این کلاس ها نام نویسی کرده بودند⁴.

روند صنعتی سازی دوره رضاشاه

یکی از هدف های رضاشاه این بود که نیازمندی ایران را به پارچه های بافت شوروی از میان بردارد، کارخانه های پارچه بافی در اصفهان، کرمان، تهران و مازندران گشایش یافت، تولید شکر داخلی در فاصله 1311 تا 1319 دوازده برابر شد، کارخانه های سیمان به راه افتاد و کارخانه های نظیر؛ کارخانه های خشک کردن و بسته بندی چای، خشک کردن و بسته بندی میوه، دخانیات، کاغذ، کارخانه های تهیه روغن نباتی، نان ماشینی و پوست کردن برنج، تهیه صابون و شیشه نیز تاسیس شد⁵.

مزیت های قرارداد 1933 بر قرارداد داری

در قرارداد 1933 که رضاشاه منعقد کرد بندی گنجانده شده بود که بر اساس آن شرکت نفت انگلیس مقید شد ایرانیان را آموزش داده و هر سال یک درصد مشخصی از ایرانیان وارد امور فنی، مهندسی و مدیریتی شرکت شوند که دانشگاه صنعت نفت آبادان از دستاوردهای آن بود و دیگر این که دولت ایران به جای مبنا قرار دادن سهمش از سود خالص که گنگ و نامشخص بود از «حجم فروش» درصد مشخصی را بگیرد، مزیت دیگر قرارداد 1933 بر قرارداد داری آن بود که حق انحصار انگلیسی ها در خصوص کشف و استخراج نفت در ایران از بین می رفت.

ساختن راه آهن سراسری ایران

از لوازم توسعه صنعت در ایران بهبود وضع ارتباطات بود و بزرگترین کاری که رضاشاه در این زمینه به انجام رسانید ساختن راه آهن سراسری ایران بود، کشیدن خط آهن سراسری در 1306 آغاز شد و در 1317 به پایان رسید و با آن بندر شاهپور در کنار خلیج فارس و بندر شاه کنار دریای خزر با فاصله 1400 کیلومتر از طریق راه آهن به یکدیگر متصل شدند، ساختمان این خط آهن یکی از شاهکارهای مهندسی بود، هزینه ساختن راه با عوارض قند و شکر و چای تامین شد و دیناری وام خارجی به مصرف آن نرسید⁶.

اصلاحات دوره رضاشاه در زمینه قضایی و آموزشی

نتیجه اصلاحات تعلیم و تربیتی رضاشاه تاثیر شگفت انگیزی در دوری از سنت اسلامی داشت و سبب زیر و رو شدن عمده ای در وضع اجتماعی شد، این اصلاحات همراه با اصلاحات قضایی به صورتی پیوسته قدرت طبقات روحانیون را کاهش می داد، اصلاح نظام قضایی به دست رضاشاه ضربه بزرگی به قدرت طبقات علمای دینی به شمار می آمد، وظایف محاکم شرعی به تدریج موقوف به محاکم عرفی شد، طبقات دینی کم کم از ورود به خدمات قضایی بازماندند⁷.

در دوره پهلوی اول جلد نخست قانون مدنی دربرگیرنده 955 ماده در مورد مالکیت، حقوق قراردادها در سال 1307 تصویب شد و جلدهای دوم و سوم این قانون که تابعیت، احوال شخصیه و مانند اینها را در بر می گرفت با توجه به قوانین مدنی فرانسه، بلژیک و سوئیس تنظیم گردید.

در دوره پهلوی قانون جزای عمومی که تعیین حدود آن در دوره قاجار «به طور کامل» با فقها بود تحت عنوان «قانون جزای عرفی» اصلاح شد، از مشخصات ویژه نظام قضایی عصر پهلوی «عرفی کردن» امر قضاوت و محدود کردن «قضاوت شرعی» بود، این در حالی بود که تا پیش از آن امور قضایی بر عهده روحانیون قرار داشت.

تلاش علی اکبر داور در نوسازی دستگاه قضایی توأم با کمرنگ ساختن نقش روحانیون و جذب کردن تحصیلکردگان و قضات متجدد بود، محسن صدر الاشراف در خاطرات خود می نویسد مهم ترین دغدغه داور خارج نمودن عدلیه از «صورت آخوندی» آن بود⁸.

داور دادگستری نوین را پایه ریخت و حسن امام جمعه قانون مدنی را تدوین کرد که هنوز هم قانونی بهتر از آن که بین شرع و قوانین مترقی جهان آشتی نسبی برقرار شده باشد نوشته نشده است.

رضاشاه وارث بی‌نظمی دیوانی و آشفتگی حقوقی دوره قاجار بود، تا پیش از روی کار آمدن رضاشاه در ایران نه تنها در امر دادرسی بلکه در اکثر زمینه‌های اداری و کشوری تمرکز و نظمی وجود نداشت. بزرگترین، برجسته‌ترین و در عین حال دشوارترین و مهم‌ترین کار رضاشاه سر جای خود نشان دادن منظم قدرت‌هایی بود که در آن 15 سال خلاء قدرت مرکزی در منطقه‌شان برخاسته بودند، رضاشاه از سوم اسفند 1299 چکمه از پای درنیامورد تا دو مرتبه ایران را یکپارچه کرد، رضاشاه با غیرت ملی همه قدرت‌های گریز از مرکز را سرجایشان نشانند و امنیت را مجدداً بعد از بیش از 15 سال ناامنی در کشور برقرار کرد. هویت یابی مجدد ایران، یکپارچگی و نوسازی ایران بدون تردید مدیون زحمات رضاشاه و مدیران و کارآفرینان و حقوقدانان دوره پهلوی است، کسانی که می‌خواهند با تحریف تاریخ و جعل کاری سیاسی دستاوردهای ارزشمند و مهم دوره پهلوی را کم ارزش جلوه دهند تنها باعث بی‌اعتباری خود می‌شوند، مقاله را با نظر یکی از پژوهشگران تاریخ ایران یعنی ماشاء الله آجودانی پایان می‌دهم: «البته که می‌توان گفت، برخلاف آنانی که می‌گویند، رضاشاه ضد قهرمان انقلاب مشروطه است، من براین باورم که رضاشاه قهرمان انقلاب مشروطه است، به همین دلیل، مشروطه ایرانی را این‌گونه به پایان برده‌ام؛ تعطیل مجلس دوم، و حوادثی که پس از آن در کشور ما اتفاق افتاد، آغاز جنگ جهانی اول، مداخلات دو کشور خارجی در ایران، بی‌ثباتی و بی‌امنیتی اجتماعی، به تقلیل یافتن و محدود شدن کمی و کیفی این خواست‌ها منجر شد و خواست ایجاد حکومت مقتدر مرکزی و «تجدد» به مهم‌ترین خواست‌های سیاسی مبدل گردید، دموکراسی کم‌رنگی که مبانی آن روز به روز در جریان گسترش مشروطیت تقلیل می‌یافت، به کنار نهاده شد و آزادی در راه حفظ استقلال ایران و ایجاد حکومت مقتدر مرکزی مدت‌ها پیش از آنکه سردار سپه قدرت سیاسی را به دست بگیرد، قربانی شد، سردار سپه، رضاشاه بعدی، زمانی از راه رسید که ایران، خسته از همه‌آفت و خیزها تشنه امنیت و آرزومند یک حکومت مقتدر مرکزی بود.

او قهرمان توانمند و مقتدر مشروطیتی بود که دموکراسی در آن، در پای درخت استقلال و اقتدار ایران قربانی شده بود، او دو خواست مهم مشروطیت ایران، یعنی ایجاد حکومت مقتدر مرکزی و مدرن ساختن جامعه سنتی عقب مانده را با همه تناقضاتی که در مدرنیسم و تجدد ایرانی وجود داشت و پیش‌تر از آن سخن گفته‌ام، در برنامه کار خود قرار داد و در ظرف ۲۰ سال چهره جامعه‌ی ایران را دگرگون ساخت، مشروطیت ممکن است نتوانسته باشد، به خیلی از خواست‌های اساسی اش دست یافته و به تعبیری در برخی جنبه‌ها شکست خورده باشد، اما استمرار این خواست‌ها هنوز با ما حضور دارد، جامعه‌ای که اکنون ما در آن زیست می‌کنیم، حاصل تحولات مشروطیت است، یعنی آموزش و پرورش نوین، دانشگاه، دادگستری، راه آهن سراسری و ... که در دوره رضاشاه ساخته شد، همه جزء خواست‌های بنیادین مشروطه بود»

زیرنویس

- 1- زیباکلام، صادق. سنت و مدرنیته
- 2- سیف پور فاطمی، نصرالله. تاریخ دیپلماتیک ایران
- 3- تاریخ اسلام، بخش ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج
- 4- همان
- 5- همان
- 6- همان
- 7- همان
- 8- صدرالاشراف، محسن. خاطرات

+++++

برچیده تبرستان از حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات). 1390-12-24= 2012-3-14

http://iranapi.net/digran/matn_5213_0.html